



بیانات در محفل انس با قرآن کریم - 14 / فروردین / 1401

بسم الله الرحمن الرحيم (۱)

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين سيما بقيّة الله فى الارضين.

خیلی خرسندم، و خدای متعال را شاکرم که امروز این توفیق را داد، در طلیعه‌ی خورشید رضانی با شما عزیزان که بحمدالله منور به این نور هستید، با قرآن مأنوس هستید، این جلسه را داشته باشیم و از نزدیک شما را زیارت کنیم؛ جداً امروز من استفاده کردم و لذت بردم از این تلاوتها و برنامه‌هایی که اجرا شد.

چند کلمه راجع به ماه مبارک رمضان عرض کنم، چند کلمه هم درباره‌ی انس با قرآن و کلام الله مجید عرض کنم، بعد هم چند نکته درباره‌ی شما هنرمندان تلاوت عرض خواهم کرد.

درباره‌ی ماه مبارک رمضان فرمود: هُوَ شَهْرٌ دُعِيتُمْ فِيهِ إِلَى ضِيَاةِ اللَّهِ ؛ (۲) خیلی خوب، شما دعوت شدید. انسان گاهی یک جایی دعوت میشود، اجابت میکند، میرود به آن مهمانی و پذیرایی میشود؛ یک وقت هم نه، دعوت کرده‌اند ما را، همت نمیکنیم که حرکت کنیم و به آن مهمانی برویم و پذیرایی بشویم؛ پس این، دست من و شما است. این ماه، ماه رمضان است، ماه ضیافت است، ماه گستره‌ی بی‌نهایت رحمت الهی است. آن کسی که برود سر این سفره بنشیند و پذیرایی بشود کیست؟ بحث سر این است. باید همت بکنیم که ما وارد این تالار عظیم پذیرایی بشویم و سر این سفره بنشینیم. این ضیافت چیست؟ حالا اگر همه‌ی شما ان شاءالله به بهترین وجهی وارد این تالار ضیافت شدید و به ضیافت الهی مشرف شدید، خدای متعال به شما چه خواهد داد؟ پذیرایی الهی عبارت است از فراهم کردن فرصت تقرب به خدا؛ یعنی از این چیزی دیگر بالاتر نیست. خدای متعال در این ماه فرصت تقرب به خودش را فراهم کرده؛ اگر شما وارد این ضیافت شدید، از این پذیرایی بهره‌مند میشوید. این فرصت چیست؟ این فرصت، روزه است؛ این فرصت اجر بی‌پایان تلاوت [کتاب] الهی است، تلاوت قرآن است؛ این فرصت اجر مضاعف برای اصلاح ذات‌البین است و امثال این چیزها که در خطبه‌ی رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) وجود دارد. از خدای متعال بخواهیم اینها را؛ بخواهیم که خدای متعال به ما این توفیق را بدهد که از این فرصتها استفاده کنیم. لذا فرمود: فَاسْأَلُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ بِنِيَّاتٍ صَادِقَةٍ وَ قُلُوبٍ طَاهِرَةٍ أَنْ يُؤَفِّقَكُمْ لَصِيَامِهِ وَ تِلَاوَةِ كِتَابِهِ ؛ (۳) این را از خدا بخواهید.

بحمدالله شما اکثراً جوان هستید و دل‌های پاک و نورانی و متلائی که انسان واقعاً غبطه میخورد به حال شما جوانها؛ میتوانید از این فرصتها به بهترین وجهی استفاده کنید. حضرت سجّاد (سلام الله علیه) در دعای چهل و چهارم صحیفه‌ی سجّادیه که دعای ورود به ماه رمضان است، به خدا این جور عرض میکنند: وَ اعْتِنَا عَلَى صِيَامِهِ يَكْفُ الْجَوَارِحَ عَنِ مَعَاصِيهِ ؛ صیام این جوری؛ معلوم شد که صیام، فقط نخوردن و اجتناب از این کارهای ظاهری نیست؛ این هم جزو این صیامی است که شما را به خدا آن جور نزدیک میکند: كَفَّ الْجَوَارِحَ عَنِ مَعَاصِيهِ الْهَيِّ ؛ وَ اسْتِعْمَالِهَا فِيهِ بِمَا يُرْضِيكَ ؛ البته دعا، دعای مفصلی است و من توصیه میکنم که کسانی که نخوانده‌اند این دعا را بخوانند؛ بخوانید این دعا را و واقعاً بهره‌مند بشوید؛ شماها این لیاقت را دارید که از کلمات امام سجّاد در صحیفه‌ی سجّادیه به بهترین وجهی استفاده کنید؛ دنباله‌اش بعد از فاصله‌ای میفرماید: وَ أَنْ تَتَقَرَّبَ إِلَيْكَ فِيهِ مِنَ الْأَعْمَالِ الزَّكَايَةِ بِمَا



تَطَهَّرْنَا عَنِ الذُّنُوبِ وَ تَعَصِمْنَا فِيهِ مِمَّا تَسْتَأْنِفُ مِنَ الْعَيُوبِ ؛ خدای متعال هم از گذشته ما را پاک کند، هم در آینده ما را محفوظ کند و نگه دارد ؛ قدر این ماه را بدانیم.

اما در مورد انس با کلام الله ؛ خب یکی از نامهای مبارک قرآن «ذکر» است. در خود قرآن چند جا تعبیر «ذکر» به کار برده شده و مراد، قرآن است ؛ مثلاً «و هذا ذِكْرٌ مُبَارَكٌ أَنْزَلْنَاهُ» (۴) در سوره‌ی انبیاء که قرآن به عنوان «ذکر» معرفی شده، یا «إِنَّا نَحْنُ نُزِّلْنَا الذِّكْرَ وَ إِنَّا لَهُ لِحَافِظُونَ» (۵) در سوره‌ی حجر که اینجا هم همین جور است و چند جای دیگر قرآن – شاید مجموعاً چهار پنج جا [یا] پنج شش جا در قرآن هست – که قرآن «ذکر» نامیده شده ؛ چرا «ذکر»؟ ذکر یعنی «یاد» ؛ «قرآن، ذکر است» یعنی چه؟ یعنی «مذکر» است، یادآورنده است ؛ قرآن، ما را به یاد می‌آورد. این به عنوان مبالغه است. در کلام عرب وقتی میخواهند مبالغه کنند، اسم فاعل را به صورت اسم فاعل به کار نمی‌برند، به صورت مصدر به کار می‌برند ؛ میگویند «زیدٌ عدلٌ» ؛ وقتی میخواهند بگویند: زید خیلی عادل است، میگویند: زیدٌ عدلٌ ؛ زید عدل است ؛ این [مسئله]، این [جور] است. قرآن ذکر است ؛ یعنی در نهایت یادآوری و در نهایت مذكریت است. این قرآن است. خب «ذکر» وسیله‌ی ارتباط است ؛ ذکر یعنی یاد ؛ شما اگر یادتان بود ارتباط برقرار میکنید با هر کسی، با هر چیزی، اگر از او یادتان رفت، قهرماً دیگر ارتباط برقرار نمیکنید ؛ ذکر طبیعتاً وسیله‌ی ارتباط است ؛ اگر میخواهیم با خدا ارتباط داشته باشیم، با بهشت ارتباط داشته باشیم، با باطن عالی‌رتبه‌ی خودمان که خدای متعال برای ما قرار داده و میتوانیم به آن برسیم و به آن فعلیت بدهیم، ارتباط [برقرار] کنیم، باید به یادش باشیم ؛ اگر یاد رفت، غفلت حاصل خواهد شد و این غفلت همان چیزی است که در قرآن مکرراً نسبت به این غفلت پرهیز و زنده‌دار داده شده، بر حذر داشته شده‌ایم از این. در قیامت به کافر و منحرف میگویند: لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا وَ كَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ ؛ (۶) که مال سوره‌ی ق است، یا در سوره‌ی مبارک انبیاء [میفرماید]: یا وَيَلْنَا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا ؛ (۷) کافر در قیامت این جور میگوید: یا وَيَلْنَا ؛ وای بر ما ؛ ما دچار غفلت بودیم. غفلت بلای خیلی بزرگی است. لذا در یکی از دعاهای مربوط به نافله‌ی شب [چنین آمده]: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَ الْهَرَمِ وَ الْجُبْنِ وَ الْبُخْلِ وَ الْغَفْلَةِ وَ الْقَسْوَةِ ؛ (۸) به خدا پناه میبریم از غفلت. خب پس «غفلت» نقطه‌ی مقابل «ذکر» است ؛ قرآن هم ذکر است. هر چه شما با قرآن بیشتر انس پیدا کنید، ذکر بیشتر خواهد شد. و البته «ذکر» و «مراقبه» تقریباً همسان یا به یک معنا متحدند ؛ [همان] مراقبه که این همه اهل معنا و اهل سلوک روی آن تأکید میکنند و میگویند پلکان عروج انسان مراقبه است ؛ مراقب خود بودن. گمان میکنم در فرمایشات مرحوم آخوند ملاحسینقلی همدانی یا یکی از شاگردهای ایشان یک وقتی دیدم که ایشان میفرمایند بدون مراقبه هم گاهی حال برای انسان پیدا میشود اما این حال باقی نمیماند ؛ اگر مراقبه بود، آن حال معنوی هم برای انسان باقی میماند. بنابراین تلاوت قرآن، انس با قرآن این خصوصیات را دارد.

خب این سخن گفتن خدا است دیگر ؛ وقتی قرآن میخوانیم، خدا دارد با ما حرف میزند. این حرف زدن هم فقط مربوط به گذشته و قضایا یا قصص قرآنی نیست ؛ مربوط به همین وضع فعلی ما است که با آن زبان دارد بیان میشود ؛ برای این است که ما راه خودمان را پیدا کنیم و پای صحبت خدا بنشینیم. و این نعمت بزرگی است که خدای متعال به ما داده. یک نعمت این است که هر وقت میخواهیم [میتوانیم] با خدا حرف بزنیم: «بغیر شفیع» (۹) – که در دعای شریف ابی‌حمزه هست – هر وقتی که اراده کنیم، میتوانیم با خدای متعال حرف بزنیم ؛ این دعا است ؛ و هر وقت [هم] اراده کنیم، میتوانیم پای صحبت خدا بنشینیم. [تعیین] وقت با شما است ؛ تعیین وقت را در واقع شما دارید میکنید تا پای صحبت خدا بنشینید و استفاده کنید ؛ با این چشم به تلاوت قرآن نگاه کنیم ؛ قرآن را با این نگاه ببینیم.



و تلاوت باید تکرار بشود. بارها بنده عرض کرده‌ام که باید تلاوت را تکرار کرد؛ باید قرآن را از اوّل تا آخر خواند و تمام کرد، دوباره شروع کرد، از سر تا آخر، و پیوسته و پی‌درپی باید قرآن را استفاده کرد.

و قرآن معجزه‌ی پیغمبر است. خب این پیغمبر که پیغمبر خاتم (صلی الله علیه و آله و سلم) است، دینش ابدی است، پس معجزه‌اش هم باید ابدی باشد. دین پیغمبر دین ابدی است، معجزه‌ی او هم بایستی ابدی باشد؛ یعنی چه ابدی؟ یعنی اینکه شما هر وقتی از دوران طولانی تاریخ تا آن وقتی که این دین برپا است، یعنی تا ابد، در هر دوره‌ای معارف مورد نیاز خودتان را برای زندگی بتوانید از قرآن پیدا کنید؛ زندگی یعنی چه؟ زندگی یعنی همان معنای وسیع زندگی: زندگی معنوی، زندگی متعالی الهی، زندگی مادّی، خانواده، حکومت، ارتباطات اجتماعی، تا اتصال به خدای متعال؛ آن صحنه‌ی وسیع و گستره‌ی عظیم زندگی انسان اینها است. قرآن باید بتواند و میتواند که درباره‌ی همه‌ی این محدوده‌ی عظیم پاسخ بدهد به سوالات شما و راهنمایی کند به معارف بلند الهی. عالی‌ترین مفاهیم مربوط به زندگی انسان را قرآن میتواند به ما معرفی کند که البته این، با تعلّم و تفقّه به دست می‌آید؛ این را فراموش نکنید. بله، غالب مردم – آن هم نه همه‌ی مردم – از ظاهر قرآن یک استفاده‌ای میکنند اما استفاده‌ی از اعماق قرآن و بطون قرآن جز با تعلّم و تفقّه به دست نمی‌آید که در نهج‌البلاغه در خطبه‌ی ۱۱۰ [میفرماید]: «وَتَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ؛ بعد با یک فاصله‌ای [میفرماید]: «وَتَقَقَّهُوا فِيهِ – تفقّه یعنی آموزش عمیق، به یادگیری عمیق میگویند «تفقّه» – آموزش عمیق ببینید درباره‌ی قرآن؛ فَإِنَّهُ رَبِيعُ الْقُلُوبِ؛ که بهار دلها است؛ بهار دلها است. دل را طراوت میبخشد و به دل شکوفایی میدهد؛ این [جور] است؛ و تدبّر و تعلّم و تفقّه لازمه‌ی آن است. البته شرطش هم تطهیر قلب است؛ باید دل‌هایمان را پاک کنیم، از خیلی از واردات قلبی خودمان را نجات بدهیم که این هم باز برای شما جوانها از امثال بنده بمراتب آسان‌تر است؛ این را به شما بگویم؛ بدانید ما دوران شما را هم طی کردیم، گذرانیدیم، تجربه‌اش را داریم، دوران خودمان را هم که شما تجربه‌اش را ندارید ما داریم؛ این تطهیر قلب که عرض میکنم، در دوران شما بمراتب آسان‌تر از دوران ما است؛ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ؛ (۱۰) بایستی تطهیر کرد دل را و قرآن را مس کرد.

یک حدیثی را مرحوم علامه‌ی طباطبائی (رضوان الله علیه) نقل میکنند، (۱۱) من خوشم آمد که این را به شما عرض بکنم؛ این حدیث از امیرالمؤمنین (علیه السلام) است که مرحوم طباطبائی میفرماید: «و هو من غرر الاحادیث؛ این از برجسته‌ترین و زبده‌ترین احادیث اهل بیت (علیهم السلام) است. قیل له هل عندكم شيءٌ من الوحي؛ یک نفر از امیرالمؤمنین میپرسد که غیر از این قرآنی که حالا در اختیار ما هست، چیزی از وحی در اختیار شما هست؟ قال لا و الذي فلق الحبة و برأ النسمّة؛ حضرت میفرمایند که نه، به خدا قسم، چیزی بیش از این در اختیار ما نیست؛ إلا أن يُعطى الله عبداً فهما في كتابه؛ ترجمه‌ی فارسی این، به زبان متعارف ما این جور می‌شود: بله، اگر خدای متعال راه را باز کند، ما در همین چیزی که هست غور کنیم، آن وقت چیزهای زیادی در اختیار ما هست. مرحوم علامه طباطبائی میگویند که این بیانات امیرالمؤمنین در توحید، در معارف الهی که به تعبیر ایشان از بیانات عجیب امیرالمؤمنین است – که شما نهج‌البلاغه را که نگاه کنید، این واقعاً به تعبیر ایشان از اعجاب است – همه‌ی اینها را امیرالمؤمنین از قرآن استفاده کرده؛ از این حدیث استفاده میشود که همه‌ی این معارف عالی و ممتاز که برای فهمیدن آنها عقول متعارف عادی کافی نیست، و باید انسان فکر کند، یاد بگیرد، درس بگیرد تا بفهمد، همه‌ی این معارف را امیرالمؤمنین از قرآن گرفته، از قرآن استفاده کرده. قرآن این [جور] است. این اقیانوس عمیق، این [جور] است.



خب حالا چند جمله و چند نکته هم درباره‌ی مسائل مربوط به تلاوت برای جمع که کار با ارزش شما است.

اولاً بحمدالله کشور ما از لحاظ قرآء خوش‌خوان یکی از کشورهای برجسته و نمونه است. یعنی در دنیای اسلام شاید مثلاً [بجز] کشور مصر که حالا یک امتیازی در این زمینه دارد، من فکر نمیکنم بقیه‌ی کشورها این تعداد قاری برجسته و خوش‌خوان و درست‌خوان در کشورها وجود داشته باشد که بحمدالله در کشور ما هست. [این] به برکت جمهوری اسلامی است. ما کجا بودیم، به کجا رسیدیم! اوایل انقلاب، همت ما و اهتمام ما این بود که قاری ما بداند کجا باید بخواند، کجا وصل کند، کجا وقف کند، کجا یابستند؛ یعنی در این حد [بودند]، آن هم قرآء معدودی که بودند. امروز بحمدالله انسان نگاه که میکند، قرآء متعدّد و کثیری [را میبیند]. بنده با رادیوتلاوت مأنوسم الحمدلله، غالباً گوش میکنم آن وقتی که فراغت داشته باشم؛ به قدری تلاوتهای خوب در این رادیو و گاهی در تلویزیون – که کمتر توفیق پیدا میکنم [ببینم] – وجود دارد که انسان واقعاً خدا را شکر میکند؛ من خیلی اوقات وقتی می‌شنوم تلاوت را، خدا را شکر میکنم.

امروز خیلی از این قرآء ما از بسیاری [از قاریان بالاترند]. حالا نمیگویم «همه»؛ شماها هنوز نرسیده‌اید به آن برجسته‌هایی که هستند. باید کار کنید؛ این هم یکی از نکات است که حالا این را در پراگتیز عرض بکنم: شما که خوب میخوانید و درست میخوانید و مستمع را به هیجان می‌آورید، فکر نکنید کار تمام شد؛ هر وقتی که در هر جایی آدم فکر کرد دیگر به آخر خط رسیده، دیگر بالاتر از این چیزی نیست، همان جا نقطه‌ی سقوط انسان است؛ بنده به شعرا هم همین را میگویم، به نویسندگان هم همین را میگویم، به طلاب هم همین را میگویم. باید پیش بروید؛ باید باز هم جلو بروید، پیش بروید و تکمیل کنید و جا برای تکمیل هنوز هست؛ این جور نیست که خیال کنید حالا همه چیز تمام شده. اما آنچه الان هست انصافاً افتخارآفرین است؛ یعنی آنچه ما امروز در اختیار داریم، بحمدالله این تعداد و این کیفیت را، ما در جایی غیر از همان جایی که اسم آوردیم سراغ نداریم که به این اندازه وجود داشته باشد. حتی خیلی از قرآء فعلی ما بهتر هستند از بعضی از آن کسانی که دعوت کرده‌ایم آورده‌ایم اینجا، پول هم به آنها داده‌ایم، قرآءشان را هم گوش کرده‌ایم، هزار نفر هم بیخودی «الله‌الله» داد کشیدند پای خواندنشان که هیچ لزومی هم نداشته! گاهی بد هم میخواند، اما جمعیت میگویند «الله»؛ او میفهمد که این جمعیت نمیفهمند خوب و بد تلاوت را، لذا سعی هم نمیکند دیگر خوب بخواند. این را بنده دیده‌ام؛ بعضی از قرآء در مصر که خوانده‌اند خوب خوانده‌اند، اینجا که آمدند خواندند، نه، خواندنشان تعریفی ندارد! این مهم است؛ حالا شماها که با مستمعین طرفید، این تذکرات را باید به آنها بدهید، اگر چه حالا مدتی هم هست که مهمان آن جوری نداریم. الحمدلله قرآء ما قرآء خوبی هستند.

حالا از همین جمعی که امروز خواندند، من نگاه میکنم میبینم تلاوتهایی که من گوش کردم خیلی خوب بود! آقای نظریان (۱۲) یک تلاوتی کرده بود از سوره‌ی قصص – همان قسمتی که مصطفی‌اسماعیل خوانده – خیلی خیلی خوب بود؛ یا آقای مقدّمی (۱۳) یک تلاوتی کرده از سوره‌ی هود که بسیار خوب بود، انصافاً خیلی برجسته بود؛ این حامدآقا (۱۴) همین جور، تلاوتهای خیلی خوبی دارند. بعضی از دوستانی که حالا امروز اینجا خواندند – خیلی‌های دیگر هم همین جور هستند؛ حالا چون من نمیبینم اشخاص را و نمی‌شناسم اسم‌هایشان را، نمیدانم چه کسانی هستند و چه کسانی نیستند، اسم نمی‌آورم؛ [فقط] این چند نفری را که اینجا تلاوت کردند اسم آوردم – از خیلی از اینهایی که آمدند اینجا و به عنوان استاد – استاد فلان – از آنها یاد میشود، خیلی بهتر میخوانند و بحمدالله این جزو افتخارات ما است. این نکته‌ی اول.



نکته‌ی دوّم این است که تلاوت در جمع یک هنر است، یک هنر مقدّس است. این هنر که در شمار برترین هنرهای قدسی است و جزو برترین هنرهای مقدّس است، باید در خدمت ذکر و در خدمت دعوت باشد. قرآن ذکر است دیگر؛ تلاوت شما باید در خدمت ذکر باشد؛ باید جوری تلاوت کنید که من مستمع، متذکر بشوم، و به یاد خدا، به یاد قیامت، به یاد عوالم بالا بیفتم؛ بیشتر از آنکه انسان متذکر است، باید از تلاوت شما متذکر بشود؛ شما در تلاوتتان این را در نظر قرار بدهید، این را بخواهید. مراقب باشیم که چیزهای حاشیه‌ای، بعضی از خودنمایی‌ها – که ماها خب انسانیم، ضعیفیم، در کارهایمان یک بخشی، یک خودنمایی‌هایی هست، حالا بنده آن مقدار کمش را نمیخواهم خیلی مته روی خشخاش بگذارم – غلبه نکند؛ آن حالت خودنمایی بر آن حالت تذکر و مُذکِریت و دعوت الی‌الله غلبه نکند در این تلاوتی که شما انجام می‌دهید. نباید فقط به عنوان یک هنر به این نگاه کنید؛ بعضی از خواننده‌های قرآن غیر ایرانی را که انسان نگاه میکند، به این [کار] فقط به صورت یک هنر نگاه میکنند؛ نه، این فقط یک هنر نیست؛ این، وسیله‌ی دعوت الی‌الله است؛ با این شکل بایستی به آن نگاه کنید. باید جوری باشد که «وَ إِذَا تَلَّيْتْ عَلَيْهِمْ آيَاتَهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا»؛ (۱۵) وقتی شما قرآن می‌خوانید باید ایمان من افزایش پیدا کند؛ ایمان مستمعان بایستی افزایش پیدا کند. یک مقداری از این به عهده‌ی شما است که شما باید این کار را انجام بدهید، تا حدود زیادی بر عهده‌ی قاری است.

شما قرائت را با استعاذه شروع می‌کنید؛ [باید] این استعاذه حقیقی باشد. با این استعاذه واقعاً به خدا پناه ببرید از شرّ شیطان: «فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» (۱۶) که در سوره‌ی مبارکه‌ی نحل است. اگر این تلاوت با استعاذه شد، در خدمت اغراض شیطانی قرار نخواهد گرفت. این هم یک نکته.

یک نکته‌ی دیگر مهندسی تلاوت است. این چیزی است که من چند بار به بعضی از قرائی که پیش ما تلاوت کردند، خواسته‌ام بگویم فرصت نشده. یکی از چیزهایی که باید شما به عنوان قاری در نظر داشته باشید، مهندسی تلاوت است؛ باید این تلاوتتان را از پیش در ذهنتان مهندسی کنید. البته اینها طبعاً بعداً بتدریج برای انسان به شکل غریزی و عادی میشود، لکن در اوّل کار، اوایل کار تا مدتها مسلماً احتیاج دارد به اینکه توجّه کنید.

مهندسی یعنی چه؟ چند جور مهندسی هست: یکی انتخاب لحن مناسب برای هر بخش. مثلاً فرض کنید که همه‌ی لحنها برای لحن قصّه مناسب نیست، یا همه‌ی لحنها برای آیات انذار از عذاب مناسب نیست؛ یک لحنهایی مناسب است، یک لحنهایی مناسب نیست؛ لحن مناسب با آن مضمون را باید پیدا کنید. بعضی از قراء مصری در این کار حقاً و انصافاً در سطح عالی‌اند که میدانند با چه لحنی بایستی این [آیات] را بخوانند؛ این که اگر انذار است، اگر وعید است، اگر بشارت است، اگر وعده‌ی بهشت است، اگر قصّه است، هر کدام از اینها یک لحن را اقتضا دارد؛ باید مهندسی کنید.

یک مهندسی دیگر، مهندسی انخفاض (۱۷) و اعتلای (۱۸) صدایتان است؛ صدا را کی بالا ببرید، کی پایین بیاورید؛ این مهم است. بعضی‌ها صدا را بی‌مورد بالا می‌برند، جایی که اصلاً جای بلند کردن صدا نیست. باید تشخیص بدهید که کجا بایستی صدا را بلند کرد و با ثن بلند باید خواند، کجا بایستی آرام خواند. البته در بعضی از تلاوتهایی که انسان از قراء معروف می‌شنود، به اصطلاح یک انخفاض و اعتلاهایی وجود دارد که حالا آنها مخصوص خودشان است، تکرار آنها هم به نظر ما خیلی مناسب نیست؛ خود شما بایستی تشخیص بدهید، توجّه کنید که کجا بایستی



صدا را بلند کرد، کجا بایستی آرام خواند.

یکی هم کیفیتِ القاء است؛ کیفیتِ القاء هم خیلی مهم است. بنده حالا یک نمونه را عرض بکنم: تلاوت سوره‌ی مبارکه‌ی فاطر عبدالفتاح شعشاعی – که واقعاً یک تلاوت‌گر فوق‌العاده است – [وقتی] میرسد به این آیه‌ی شریفه: *يا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ* (۱۹) میدانید که مستمع‌های عرب دنبال این هستند که نفس بلند به کار برود. وقتی قاری با نفس طولانی تلاوت میکند خوششان می‌آید و تشویق میکنند و الله‌الله میگویند، و نفس کوتاه را خیلی دوست نمی‌دارند. عبدالفتاح نفسش کوتاه است اما این «یا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ» را با یک لحن میخواند که این مجلس زیر و رو میشود! به نظر من بشنوید این تلاوت را؛ مجلس را زیر و رو میکند؛ از بس با لحن مناسبی این را میخواند. این لحن متناسب را در نظر داشته باشید. این [یک] مهندسی.

یک مهندسی دیگری هم وجود دارد و آن، کیفیتِ تلاوتی است که بتواند واقعه را مجسم کند در مقابل مستمع؛ یعنی جوری بخواند که شما که دارید می‌شنوید، کأنه دارید می‌بینید واقعه را؛ که در این قضیه استاد مسلم انصافاً شیخ مصطفی اسماعیل است، که فوق‌العاده است در این جهت. در آن آیات شریفه‌ی سوره‌ی قصص که «وَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصَدَرَ الرَّعَاءُ وَابْنَا شَيْخٍ كَبِيرٍ * فَسَقَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ * فُجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ»، (۲۰) اینها را جوری میخواند که شما کأنه می‌بینید که این دختر دارد می‌آید و خجالت میکشد، که این خجالت ناشی از یک احساساتی است؛ رفته‌اند پیش پدرشان، صحبت این جوان را کرده‌اند و گفته خیلی خب، بروید دنبالش بگویید بیاید. «فُجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ» را چند بار تکرار میکند. یا مثلاً در سوره‌ی مبارکه‌ی نمل، *إِيَّكُمْ يَأْتِينِي بَعْرَشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ * قَالَ عَفْرَيْتُ مِنَ الْجِنِّ أَنَا ءَاتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ*. (۲۱) آن چنان این «أَنَا ءَاتِيكَ بِهِ» را از زبان این عفریت جن تکرار میکند و بیان میکند، کأنه انسان دارد میبیند این عفریت جن را که با یک غروری میگوید من برایت می‌آورم، قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ. بعد [میفرماید]: *قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا ءَاتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ*؛ (۲۲) یعنی [آن دیگری] زد تو دهن آن عفریت جئی، گفت قبل از اینکه چشمت را به هم بزنی من حاضر میکنم، که حاضر هم کرد. این را جوری میخواند که انسان کأنه دارد میبیند که این اتفاق دارد می‌افتد؛ این هم یک جور مهندسی است. بالاخره، به طور خلاصه، تلاوت قاری باید منشأ اثر باشد؛ باید شما که تلاوت میکنید، جوری تلاوت کنید که تأثر در مستمع شما به وجود بیاید و منشأ اثر بشود. *إِنَّمَا تُنذِرُ مَنْ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَحَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ*؛ (۲۳) اتباع باید به وجود بیاید با خواندن شما؛ با تلاوت شما بایستی اتباع به وجود بیاید. این حالا چند نکته‌ای بود که عرض کردم.

یک نکته هم راجع به این مسئله‌ی اختلاف قرائتها بگویم. بعضی از قراء مصری که ما دعوت کردیم و آمدند در طول این چند سال، تقیّد داشتند که انواع و اقسام قرائتها را بخوانند. حالا بنده چون خیلی مسلط نیستم، نمیتوانم قطعاً بگویم که اینها قرائتهای شاذ (۲۴) را هم میخوانند. ما چهارده قرائت داریم، علاوه بر آنها چند قرائت شاذ هم داریم. من احتمال میدهم حتی بعضی از آنها در تلاوتهایشان مقیّد بودند همین طور پی‌درپی تکرار که میکنند قرائتهای مختلف را، قرائتهای شاذ را هم بخوانند؛ این به نظر من هیچ وجهی ندارد، هیچ «ذکری» در این وجود ندارد، هیچ دعوتی در این وجود ندارد. بله، من البته خواندن اختلاف قرائت را رد نمیکنم، اما محدود. قرائت وِرش از این جهت مهم است که در شمال آفریقا و در غرب دنیای اسلام، قرائتِ رایج است. خود وِرش سالها در مصر زندگی میکردند – هم وِرش و هم قالون، اصلاً در مصر زندگی میکردند – سالهای متمادی وِرش در مصر بوده؛ لذا قرائت وِرش



در مصر و در شمال آفریقا و در تونس و مانند اینها معروف است. قرآنهایی طبق قرائت وِرش و طبق قرائت قالون آنجاها چاپ شده که برای ما هم فرستاده‌اند بنده دیده‌ام. این قرائت وِرش است. بنابراین، خواندن قرائت وِرش ایرادی ندارد، چون یکی از قرائتهای رایج است؛ ولو حالا نه به قدر قرائت حفص، اما بالاخره رایج است. این خوب است. قرائت حمزه هم که این نوجوان ما (۲۵) امروز یک مقداری قرائت حمزه را میخواند، از یک جهتی خوب است و آن، این است که این سکتی که در قرائت حمزه هست بین حرف ساکن و همزه، چیز قشنگی است. از این جهت که زیبا میکند تلاوت را، [خواندنش] گاهی اوقات ایرادی ندارد به نظر ما. این دو قرائت را اگر چنانچه بخوانند، بد نیست؛ اما دیگر [خواندن] اختلاف قرائتهای مختلف و شکلهای گوناگون در یک کلمه و مانند اینها به نظر ما خیلی لزومی ندارد؛ یعنی آن چیزی را که مورد انتظار از شما است – که ذکر و دعوت و تذکر و مانند اینها است – حقا و انصافاً تأمین نمیکند.

یک نکته‌ی دیگر را هم من یادداشت کرده‌ام که عرض بکنم. در زمینه‌ی فعالیت‌های قرآنی، خب کارهای خیلی خوبی شده؛ لکن اینها کافی نیست؛ ما به تلاشهای بیشتری احتیاج داریم. یکی از پیشنهادهایی که به ما شد و کار درستی است و من مطرح میکنم و شماها هر کدام که میتوانید انجام بدهید، این است که مساجد یک محل – حالا مثلاً در تهران، مساجد فلان بخش از تهران که سه تا، چهار تا، پنج تا مسجد است – هر کدام از اینها یک پایگاه قرآنی باشند و با هم ارتباط داشته باشند؛ اینها بروند به مهمانی آنها، آنها بیایند به جلسه‌ی اینها؛ با هم مسابقه بدهند؛ این غیر از این مسابقات رایجی است که اوقاف و دیگران راه می‌اندازند؛ یک چنین کارهایی انجام بگیرد؛ این بهترین مشوق است برای اینکه جوانها و نوجوانها وارد وادی قرآن خوانی بشوند؛ ما به این احتیاج داریم.

جوانهای ما باید وارد عرصه‌ی قرآن خوانی، بخصوص حفظ قرآن بشوند که ما خب حافظ [قرآن] زیاد لازم داریم؛ من چند سال پیش هم عرض کردم؛ (۲۶) تلاشهایی هم شده منتها هنوز تا آنجا خیلی فاصله داریم. اگر بخواهید آن ده میلیون را تأمین بکنید، راهش این است که نوجوانهای ما وارد وادی قرآن بشوند؛ نوجوان که وارد شد حفظ آسان میشود؛ راهش هم این است که در مساجد این کار اتفاق بیفتد؛ هر مسجدی یک پایگاه قرآنی بشود؛ مساجد این محل با همدیگر ارتباط داشته باشند، همکاری داشته باشند؛ اساتیدشان اینها را به هم آشنا کنند؛ اینها بروند پیش آنها. ما در مشهد داشتیم این کار را؛ هم در مسجد کرامت، هم در مسجد امام حسن مجتبی. خدا ان شاء الله رحمت کند مرحوم آقای مختاری، قاری بسیار خوب مشهد را و همچنین جناب آقای آقامرتضای فاطمی که جزو بهترینهای مشهد [بود] و هنوز هم ایشان الحمدلله جزو بهترین قراء کشور محسوب میشود؛ این دو نفر را من دعوت کرده بودم، خواسته بودم، آنجا سالها در مسجد کرامت این جلسه را اداره میکردند؛ در مسجد امام حسن هم که ما بودیم – این دو مسجدی که بنده رفت و آمد داشتم – اینها می‌آمدند تلاوت میکردند. و این ارتباط مساجد با یکدیگر و ارتباط قراء و مستمعین قراء و شاگردان قراء با یکدیگر یکی از این فرصتهایی است که ان شاء الله میتواند در خدمت این کار قرار بگیرد. خوب است اسمی هم از مرحوم آقای مولایی (رحمة الله علیه) بیاریم که ایشان هم خیلی حق دارد به گردن تلاوت قرآن در تهران و خیلی تلاش کرده؛ مرحوم غقاری و دیگر برادرانی که در این جمع، سالهای قبل بودند و امسال در بین ما نیستند؛ خداوند ان شاء الله درجات همه‌ی آنها را عالی کند.

پروردگارا! به محمد و آل محمد ما را از اهل قرآن قرار بده؛ ما را با قرآن مأنوس کن؛ ما را با قرآن زنده بدار؛ با قرآن بمیران؛ با قرآن محشور کن. پروردگارا! معارف قرآنی را در دل ما بیدار و زنده کن. پروردگارا! اساتید ما، کسانی که ما را به این راه هدایت کردند، راهنمایی کردند، ائس با قرآن را به ما یاد دادند، مشمول رحمت خودت قرار بده؛ امام



بزرگوار ما، شهدای عزیز ما را با پیغمبر محشور کن؛ ما را هم در راه آنها ثابت قدم بدار.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

۱) در ابتدای این دیدار – که در اولین روز ماه رمضان ۱۴۴۳ برگزار شد – تعدادی از قاریان به تلاوت آیاتی از قرآن کریم پرداختند.

۲) امالی صدوق، مجلس بیستم، ص ۹۳

۳) همان

۴) سوره ی انبیاء، بخشی از آیه ی ۵۰

۵) سوره ی حجر، آیه ی ۹

۶) سوره ی ق، بخشی از آیه ی ۲۲

۷) سوره ی انبیاء، بخشی از آیه ی ۹۷

۸) کافی، ج ۲، ص ۵۸۶

۹) مصباح کفعمی، ص ۵۸۹ (دعای ابی حمزه)

۱۰) سوره ی واقعه، آیه ی ۷۹؛ «که جز پاک شدگان بر آن دست نزنند»

۱۱) المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۷۱

۱۲) آقای وحید نظریان

۱۳) آقای قاسم مقدمی

۱۴) آقای حامد شاکرنژاد

۱۵) سوره انفال، بخشی از آیه ی ۲؛ «... و چون آیات او بر آنان خوانده شود، بر ایمانشان بیفزاید...»

۱۶) سوره ی نحل، آیه ی ۹۸؛ «پس چون قرآن میخوانی، از شیطان مطرود به خدا پناه بر.»

۱۷) فرود آمدن، پایین آمدن

۱۸) بلند شدن

۱۹) بخشی از آیه ی ۱۵؛ «ای مردم، شما به خدا نیازمندید...»

۲۰) بخشی از آیات ۲۳ تا ۲۵؛ «... گروهی از مردم را بر آن یافت که [دامهای خود را] آب میدادند، و پشت سرشان دو

زن را یافت که [گوسفندان خود را] دور میکردند. [موسی] گفت: "منظورتان [از این کار] چیست؟" گفتند: "ما به

گوسفندان خود] آب نمیدهیم تا شبانان [همگی گوسفندانشان را] برگردانند، و پدر ما پیری سالخورده است." پس برای

آن دو، [گوسفندان را] آب داد، آنگاه به سوی سایه برگشت و گفت: "پروردگارا، من به هر خیری که سویم بفرستی

سخت نیازمندم." پس یکی از آن دو زن – در حالی که به آزر گام برمیداشت – نزد وی آمد...»

۲۱) سوره ی نمل، بخشی از آیات ۳۸ و ۳۹؛ «... کدام یک از شما تخت او را – پیش از آنکه مطیعانه نزد من آیند –

برای من می آورد؟ عفرتی از جن گفت: "من آن را پیش از آنکه از مجلس خود برخیزی برای تو می آورم."...»

۲۲) همان، بخشی از آیه ی ۴۰؛ «کسی که نزد او دانشی از کتاب [الهی] بود، گفت: "من آن را پیش از آنکه چشم خود

را بر هم زنی برایت می آورم."...»

۲۳) سوره ی یس، بخشی از آیه ی ۱۱؛ «بیم دادن تو، تنها کسی را [سودمند] است که کتاب حق را پیروی کند و از

[خدای] رحمان در نهان بترسد...»

۲۴) نادر، کمیاب



۲۵) آقای علیرضا حاجی زاده (از تبریز)
۲۶) از جمله، بیانات در دیدار جمعی از قاریان قرآن سراسر کشور (۱۳۹۰/۵/۱۱)